



مقدمه..... ۸-۱۲

بزرگان شعر..... ۱۳-۱۹

ادبیات جهان..... ۲۰

ادبیت ارمنی..... ۲۱

ادبیات ایران..... ۲۲

شعر شاعران..... ۲۴-۲۸

حکایات..... ۲۹

تبلیغات..... ۴-۶

موسیقی..... ۳۱-۳۳

برداشت دهان و دندان..... ۳۴

مصاحبه..... ۳۶-۳۹

طراح وبسایت: داوود مصدکیا
@esher.official

دسته بندی موضوعی: ادبیات
دوره انتشار: هفته نامه
مدیر مسئول: آنیتا- آرزومانیان
شماره: سی و چهارم



ԱՐՑԱԽ

پست الکترونیکی:

www.ani.arzoomanian@yahoo.com

تلگرام:

t.me/anisettes

اینستاگرام:

[@ani_arzoomanian](https://www.instagram.com/ani_arzoomanian)

وب سایت:

www.aniletters.com

www.anipoetry.ir

تبلیغات

آلبرت آرستاگس یانس

قلم زنی دستی سبک تبریزی روی فلزات
گرانبها، ساخت و تعمیر انواع ظروف و
زیور آلات
جهت سفارش با شماره تلفن زیر تماس
حاصل فرمایید.

۰۹۱۹۰۲۶۶۵۵۲

قلم زنی و نقره سازی ادوارد

ساخت انواع منسوجات نقره
جهت سفارش با شماره تلفن های زیر
تماس حاصل فرمایید.

۶۶۷۱۰۰۳۹

۰۹۱۹۵۰۸۸۵۳۶

ادوین آرزومانیان

خرید، فروش و تعمیرات
تخصصی لپ تاپ و قطعات.
شماره تماس:

۰۹۱۰۱۴۴۹۹۶۶

دکتر بهزاد هوشمند

متخصص و جراح بیماری های لته و
ایمپلنت

۲۲۰۱۹۳۶۶

۲۲۰۱۹۰۷۳

- پلاتوفیزیکال تئاتر اریال یوگا و نمایش
- استودیوی ضبط موسیقی و آهنگسازی
- مجهز به فضای باز مجزا

محدوده کریمخان
تلفن تماس:

۰۹۳۶۹۲۷۵۲۲۸

جناب آقای علی دماوندی



تجربه حس خوب با اریال یوگا

کالری سوزی بین ۲۰۰ تا ۱۰۰۰ کالری

افزایش انعطاف پذیری بدن

از بین بردن گرفتگی عضلات

تسکین فشارهای مفاصل و ستون فقرات

تقویت عضلات شکم، پهلو و کمر

افزایش حس حضور در محیط

آزاد کردن اندورفین

افزایش تمرکز



mirela__art

Let's relax with
MIRELA

کریم خان



۰۹۳۶۹۲۷۵۲۲۸



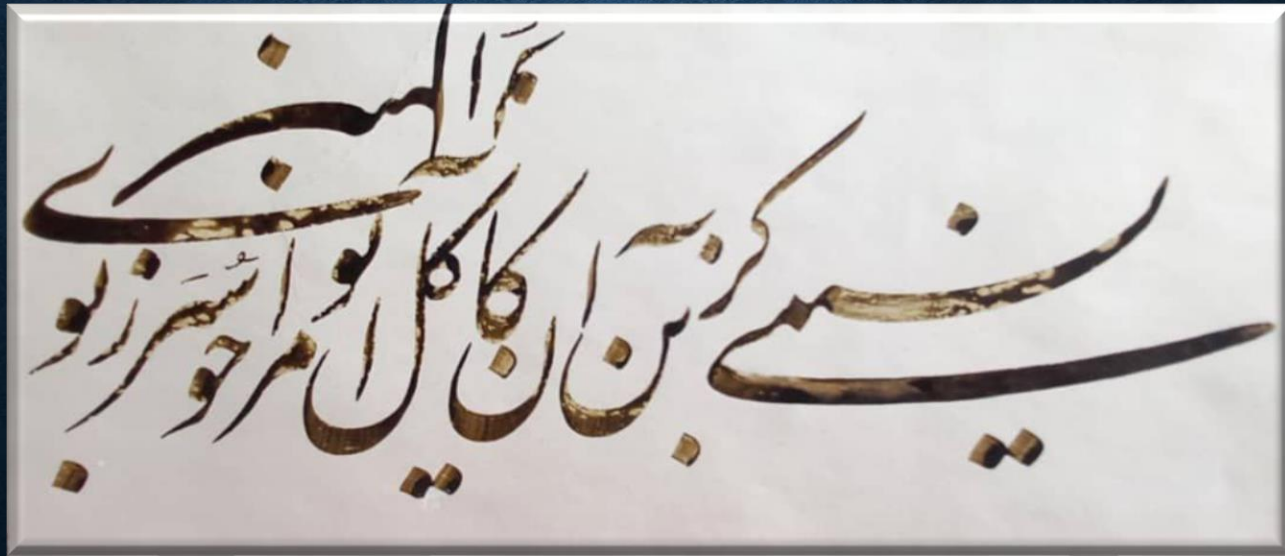
[@mirela__art](https://www.instagram.com/mirela__art)

مدرس انجمن خوشنویسان ایران

خطاط: علی ملک

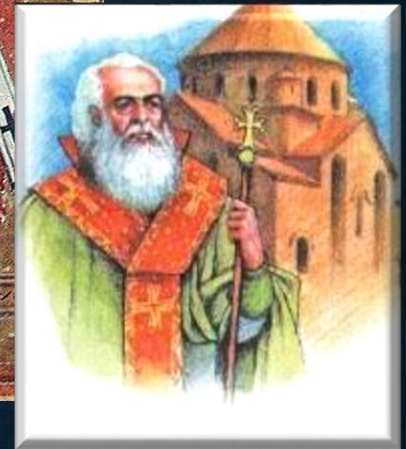


[Ali.malek.art](https://www.instagram.com/Ali.malek.art)



Հայ եկեղեցական երաժշտության
գարգացմանը նպաստեց 405 թ-ին Մեծ
Հայքի վերջին Արշակունի արքաներից
մեկի Վռամշապուհի հրամանով իր
քարտուղար Մեսրոպ Մաշտոցի կողմից
հայկական այբուբենի ստեղծումը (կամ,
հավանական է, պարզապես կորսված
հայկական այբուբենի վերականգնումը):
Վարդապետարաններում (հայկական
դպրոցներում, որոնք, ինչպես հայտնում
է Մովսես Խորենացին, առաջին անգամ
հիմնադրում է Մեսրոպ Մաշտոցը),
ուսուցանվում են երաժշտություն և երգ:

V - VI դարերում ստեղծվում են
առաջին հոգևոր երգերը, որոնց
հեղինակներն են **Մեսրոպ Մաշտոցը,
Սահակ Պարթևը, Հովհաննես Ա
Մանդակունին, Ստեփանոս
Սյունեցին, Կոմիտաս Ա Աղեցին:**



دو فرهنگ کهن ایران و ارمنستان از نظر تاریخی و فرهنگی قدمتشان به حدود ۳۰۰۰ سال پیش باز می‌گردد چنانچه که شناخت هر کدام بدون شناخت دیگری امکان پذیر نموده و نخواهد بود. چرا که این ملل چنان ریشه‌هایش عمیق و در تار و پود هم تنیده شده‌ک میتوان آن‌ها را از نظر تاریخی – فرهنگی و حتی رفتاری به یک روح در دو تن تشبیه نمود.

فرهنگ‌ها از دل اعصار به صورت شفاهی-تجربه –تقلید وارد فرهنگ فولکلور جوامع شده و نسل به نسل این سنت‌ها –آیین‌ها و رسوم باقی مانده و منتقل شده و به امروز رسیده‌اند که هر کدام از آنها رنگ و بو خاص خودشان را دارند و حرفی برای گفتن چه آنانی که دستخوش تغییرات شده‌اند و چه آنانی که باقی مانده‌اند و دردناک‌تر از همه آنانی هستند که به دست فراموشی سپرده شده‌اند.

ایران جشن‌های باستانی بسیاری داشته است که امروز اغلب آنها در صندوقچه قرون به یادگار گذاشته شده‌اند و حتی نامی از آنها در میان نیست همانند: جشن بهمن‌گان، جشن اسفندگان و ...

در ایران از کهن‌ترین زمانها، در هر ماه جشنی برگزار میشده است که نام آن ماه را داشت و در دی ماه نیز چهار جشن برگزار میشد: نخستین روز ماه دی "یلدا"، و روزهای هشتم، پانزدهم و بیست و سوم، سه روزی که نام ماه و نام روز یکی بود. امروزه از این چهار جشن فقط شب نخستین روز دی ماه، (شب یلدا) را جشن میگیرند، یعنی آخرین شب پاییز، نخستین شب زمستان و درازترین شب سال. آیین و جشن شب یلدا و یا شب چله بزرگ، تا به امروز در تمامی ایران زمین و در بین همه گروه‌ها و خانواده‌ها برگزار میشود.



یلدا واژه ای سریانی است و به معنی ولادت است. یلدا روز ولادت خورشید ، مهر و میترا است و رومیان آن را ناتالیس انویکتوس یعنی روز تولد مهر و شکست ناپذیر می نامند.

بنابر باور پیشینیان ، در پایان این شب دراز ، که اهریمنی و نامبارکش میدانند ، تاریکی شکست میخورد ، روشنایی پیروز و خورشید زاده میشود و روزها به بلندی می نهد. نام این روز میلاد اکبر است و مقصود « انقلاب زمستانی است .

زایش خورشید و آغاز دی را در آیین ها و فرهنگ های بسیاری از سرزمین های کهن آغاز سال قرار دادند ، به شگون روزی که خورشید از چنگ شب های اهریمنی نجات می یافته و روزی مقدس برای مهرپرستان بود.

اما ریشه مشترکش با مسیحیت

آیین مهرپرستی یا میترائیسم رومی و دین مسیحیت همانندیهای بسیاری داشته و امروزه محققان معتقدند که مسیحیت غرب چهارچوب اصلی خود را که به این دین پایداری و شکل بخشیده به مذاهب پیش از مسیحیت روم باستان از جمله میترائیسم مدیون است.





در سده چهارم میلادی ، بر اثر اشتباهی که در محاسبه کبیسه رخ داد، روز ۲۵ دسامبر را به جای روز ۲۱ دسامبر روز تولد میترا به شمار می آوردند و تولد عیسی مسیح را نیز در این آغاز سال قرار دادند. سنایی به این مطلب اشاره کرده است:

به صاحب دولتی پیوند، اگر نامی همی جویی
که از پیوند با عیسی چنان معروف شد یلدا
از شعرهای برخی شاعران دیگر نیز مانند معزی، خاقانی، و سیف اسفرنگی رابطه بین مسیح و یلدا دانسته میشود. بنابراین، نوئل اروپایی همان شب یلداست ، و نوئل واقعی، یعنی انقلاب زمستانی ، در ۳۰ آذر برابر ۲۱ دسامبر.

میتراپس و مسیحیت همانندی‌های بسیاری داشته‌اند. تاویل و تفسیر کومون و محققان هم عقیده او از این شباهت‌ها این است که هر دو آیین میترای و مسیحیت با خاستگاهی شرقی به هدف استیلای فرهنگی و حکومت بر جهانی پهناور، به ستیز و رقابت با یکدیگر پرداخته و در طول چهار قرن نبرد با وجود شکست میتراپس در برابر مسیحیت، این آیین و دیگر آیین‌های رازآمیز مغلوب تمام رزمق و شکل و اندیشه و چارچوب نمادها و رموز خود را به مسیحیت واگذار کردند.

برخی از این شباهت‌ها طبق نظریات او و دیگر میتراپژوهان هم‌عقیده او بدین‌سان می‌باشند: تثلیث در هر دو آیین وجود دارد. آیین‌های میترای به‌طور مخفیانه و در سرداب‌ها تشکیل می‌شد و مهرابه‌ها نیز به شکل غار بنا شده و در آن دخمه‌ها مراسم اسرارآمیز آیین، برگزار می‌گردید. مراسم تطهیر و غسل تعمید نیز در هر دو مذهب مشترک بوده. افروختن شمع در کلیساها، نواختن ناقوس، وجود حوضچه آب مقدس در ورودی کلیساها و سرود دسته‌جمعی به همراه نواختن موسیقی از شباهت‌های مراسم میترایسم و مسیحیت هستند. مراسم شام آخر (عشاء ربانی یا اوکاریست) و صرف نان و شراب در دو آیین مشترک است؛ دوازده مقام میترای و دوازده فلک یاور میترا به حواریون دوازده‌گانه عیسی تغییر یافتند. روز یکشنبه (مهرشید در فارسی) به نام روز خورشید-چنانکه از نام آن پیداست- روز ویژه مهرپرستان بود که در مسیحیت نیز به همین شکل است؛ رهبانیت و ریاضت در آیین میترا وجود داشت و به مسیحیت نیز راه یافت. مسیح و مهر هر دو در رستاخیز ظهور نموده و اعمال انسان‌ها را داوری می‌کنند؛

اعتقاد به روح، جاودانگی و قیامت از موارد مشترک بوده، همانگونه که مهر میانجی میان خداوند و بشر است، مسیح نیز واسطه خدا و انسان است؛ گفته می‌شود نشان هلال ماه بالای هفت شاخه شمعدان در برخی از کلیساها موید این نظر است، از آن‌رو که ماه در آیین میترا نقش نمادین مهمی دارد؛ مقام هفتم از آیین میترا مقام پدر پدران است که به دین مسیح راه یافته و کشیشان پدران مقدس و پاپ پدر پدران نام گرفتند. مهر در برج حمل، بره به دوش دارد و عیسی نیز بره‌ای در آغوشش گرفته‌است. سرانجام روز تولد مهر یا «خورشید شکست‌ناپذیر» همان روز انقلاب زمستانی در روم، ۲۵ دسامبر بود که در سده چهارم میلادی روز میلاد مسیح تعیین شده و به عید کریسمس شهرت یافت.

اما نفوذ فرهنگ یلدا در کشورهای اروپایی کاملاً نشانگر مسیر مهاجرت قوم آریایی در اروپاست چنان که در نزد اقوام با ریشه هند- اروپایی رسم‌هایی نزدیک به این مراسم دیده می‌شود به عنوان مثال هالووین که بازسازی چهارشنبه سوری است و یا مراسم مید سومار یا مید سومر در کشورهای اسکاندیناوی به خصوص سوئد که درست بالعکس شب یلدا نمادی از بلندترین روز سال در تابستان است که گاهی در شمال اروپا این روز شب نشده و به روز بعدی می‌پیوندد.

در این روز نیز مردمان به شادمانی رفتن به طبیعت و پاسداشت نور خورشید مشغولند در حقیقت آنهم عید است برای وجود خورشید و از این لحاظ با یلدا همانند است.

ضمن آنکه در جنوب روسیه، در بین پارسیان هند در گجرات و در شمال عراق و جنوب ترکیه یلدا نیز مانند نوروز گرامی داشته می‌شود.

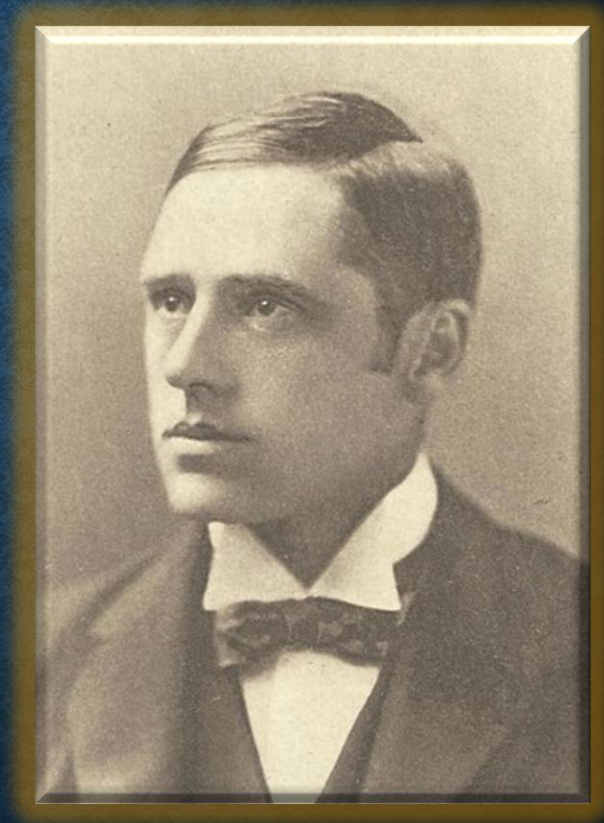
با وجود همه این تفصیل فرهنگ‌ها گنجینه‌ی افکار و گذشته زندگی بشر بر این کره‌ی خاکی میباشند که تنه آن چون درختیست پربار با ریشه‌ای واحد که با گذشت زمان عمیق‌تر گشته و شاخه‌هایش رنگین‌تر میشوند. تمامی فرهنگ‌های با ریشه‌های مشترک اما طرز بیان متفاوت داستان‌هایی زیباتر خلق میکنند.



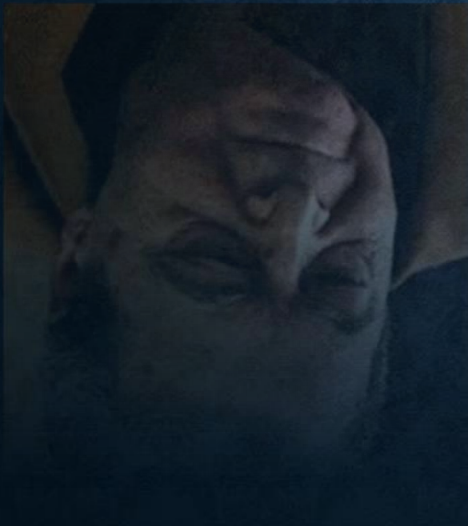
بفشد اول:
بزرگان شعر

Banjo Paterson

Andrew Barton "Banjo" Paterson, CBE (17 February 1864 – 5 February 1941) was an Australian bush poet, journalist and author. He wrote many ballads and poems about Australian life, focusing particularly on the rural and outback areas, including the district around Binalong, New South Wales, where he spent much of his childhood. Paterson's more notable poems include "Clancy of the Overflow" (1889), "The Man from Snowy River" (1890) and "Waltzing Matilda" (1895), regarded widely as



ՊԱՐԻՍ ՀԵՐՈՒՆԻՆ ԼՈՒՅՍԻ ՃԱՄՓՈՐԴ Է...



Դեկտեմբերին եկավ ու դեկտեմբերին էլ հավերժություն գնաց բացառիկ Հայր Պարիս Հերունին:

Երբևէ մտածե՞լ եք, թե ո՞վ է այն հանճարեղ հայր, որ ամենաշատը և հնարավորինս ամենաճիշտը գիտի մեր ազգի տասնյակ հազարավոր տարիների պատմությունը և կարողանում է գիտական փաստարկներով դիտարկել ու ապացուցել տիեզերական շրջափուլերի օրինաչափությունները: Այսինքն՝ ո՞վ է հայոց ամենահզոր կենսագիրը... Միանշանակ՝ այդ բացառիկը աշխարհահռչակ աստղաֆիզիկոս, նույնքան բացառիկ անհատականություն Պարիս Հերունին է, ով աստղաֆիզիկայի ամենատես աչքերով, հայոց հնագույն քաղաքակրթության գիտական նվաճումներով, լեզուների ծագման և բառիմաստային ընդհանրություններով ու մշակութային ժառանգությամբ ներկայացրեց, թե¹⁴ ով է Հայր:

Եթե Հերունին մի այլ ազգի զավակը լիներ, ապա մի քանի անգամ բացառության կարգով արժանացած կլիներ Նոբելյան ու այլ հեղինակավոր մրցանակների և ազգային սուրբ կհամարվեր: Նրա սխրանքը մեր ազգային հպարտությունն է: Որոշ ազգեր պատվերով պատմություն են շինում, իսկ մենք եղածն ենք քողարկում՝ ինչ է թե առանձին մութ ուժեր այդպես են կամենում:

Նա աշխարհին գիտական փաստերով ու օրինաչափություններով ապացուցեց, որ հնագույն աստղագիտության մայր օրրանը Հայաստանն է: Դա ընդունեցին աշխարհի մեծագույն բազմաթիվ գիտնականներ, իսկ որոշ, անգամ հայ փոքրագույնները, գրանտներով հմայված, փորձում են ժխտել անժխտելին: Որ առանձին հայ գիտնականներն են նրան ժխտում, այդտեղ արդեն նորին մեծություն հայկական անչափելի նախանձն է աղմկում: Դա հիշեցնում է փղին պարսաստիկով խփելու անհեթեթությանը: Բայց դե հնարավոր չէ Արևի լույսը փակել . . .

Հերունու Լույսը մենք դեռ կտեսնենք, որովհետև Հայր Լույսի Ճամփորդ է . . .

ՎՐԵԺ ՍԱՐՈՒԽԱՆՅԱՆ

Արձակագիր, բանաստեղծ, լրագրող

Lombardy boasts one of the most influential and prominent poets in Italian literature, Publius Virgilius Maron, more commonly known as Virgil.

Born in Mantua in 70 B.C., actually, his literary works are influenced by his stays in different Italian cities.

He lived in Cremona, Milan, and Rome for his studies, as well as Naples, where he spent much of his life.

His importance in historical literature is so strong that he became Dante's guide on his famous journey through purgatory, hell, and paradise within the Tuscan poet's celebrated Divine Comedy.

Indeed, Virgil wrote, between 29 B.C. and 19 B.C., the Aeneid, consisting of twelve books written to extol the beauty of Rome and the peace missions carried out by Augustus.

The work is thus a clear political manifesto, and Virgil demands, should he fail to complete it, that it be burned after his death. This does not happen, and so even today we can study one of the most famous poets in history.

Travels are one of Virgil's great passions, thanks to which he is able to create punctilious and precise descriptions in his works. They are also the cause of his death, which occurs due to a fever contracted on a return trip from his beloved Greece in 19 B.C.



Ахметьев, Иван Алексеевич



Биография

Окончил физический факультет МГУ, работал инженером, сторожем, дворником, пожарным, рабочим в булочной, библиотекарем. Стихи распространялись в самиздате, в том числе под псевдонимом Иван Алексеев. Под этим же именем в 1982 году участвовал в машинописном альманахе «Список действующих лиц»

Автор шести книг стихов (первая вышла в 1990 году в Мюнхене), публиковался также в журналах «Новый мир», «Дружба народов», «Новое литературное обозрение», вестнике современного искусства «Цирк Олимп» и др.

Развивая традицию минимализма и конкретизма, идущую в современной русской поэзии от «лианозовской школы», Ахметьев в своих миниатюрах пристально фиксирует мельчайшие речевые детали, выделяя в осколках обыденной речи присутствие самородного поэтического начала.

Выступает в качестве публикатора неофициальной поэзии и прозы советского времени (Евгений Кропивницкий, Георгий Оболдуев, Иван Пулькин, Ян Сатуновский, Павел Улитин и др.); соредактор поэтического раздела антологии «Самиздат века» (1997), куратор созданного на его основе Интернет-проекта «Неофициальная поэзия». Составитель, редактор и соредактор ряда других антологий и авторских сборников.

Лауреат Премии Андрея Белого 2013 года в номинации «За заслуги перед литературой» («за многолетний труд по подготовке публикаций классиков русской неподцензурной литературы XX века, участие в составлении антологий „Поэзия второй половины XX века“, „Русские стихи 1950—2000“»).

Лауреат премии-стипендии Фонда Иосифа Бродского 2019 года.

Труды

- Миниатюры. — Мюнхен, 1990.
- Стихи и только стихи. — М.: Издат. квартира Андрея Белашкина, 1993.
- Девять лет. — М.: ОГИ, 2001
- Amores: Стихи 1966—2002. — М.: ЛИА Р. Элинина, 2002
- ничего обойдётся. — М.: Самокат, 2011.
- Лёгкая книжка. — М.: всегонишего, 2020.

آصفی هروی

آصفی هروی، آصف ابن نعیم‌الدین نعمت‌الله علی قُہستانی (درگذشت: ۹۲۳ ه. ق. / ۱۵۱۷ م.)، شاعر عصر تیموریان بود. وی شاگرد جامی بود و مورد توجه بدیع‌الزمان میرزا تیموری قرار گرفت و در دربار سلطان حسین بایقرا نیز کار می‌کرد.

متولد هرات، شاعر. پدرش وزیر سلطان ابوسعید تیموری بوده است و ظاهراً بنا بر سابقه‌ای که به وزیران لقب آصف (وزیر حضرت سلیمان) می‌دادند، کلمه «آصفی» را تخلص خویش قرار داده‌است. جد آصفی، علاء‌الدین علی نیز در عهد امیر تیمور خدمت دیوانی می‌کرده است. آصفی با امیرعلیشیر نوایی محشور بود و نزد شاهزاده میرزا بدیع‌الزمان تقرب داشت و خدمت سلطان حسین بایقرا را نیز دریافت. خواجه آصف غزل و قصیده را نیکو می‌سرود و در رباعی و مثنوی نیز استادی داشت، و مثنوی نیز بر وزن «مخزن الاسرار» سروده است. «دیوان» اشعار او به اهتمام هادی ارفع به طبع رسیده‌است. هر چند در تاریخ وفات او بین ۹۲۰ تا ۹۲۸ ق اختلاف آراء وجود دارد، ولی بنا بر ماده تاریخی که در مرگ وی در «تذکره نصرآبادی» آمده است چنین برمی‌آید که ۹۲۳ ق صحیح‌تر باشد.



بخش دوم: ادبیات جهان

تراژدی نویسان بزرگ

آیسخولوس (حدود ۵۲۵ تا ۴۵۶ ق.م). نخستین تراژدی نویس بزرگ به شمار می رود. پدرش اوفوریون از طبقه اشراف آتن، و از اهالی الیوسیست است، که در آن جا آیسخولوس عمیقا تحت تاثیر آداب رازواره ی پرستش خدایان قرار می گیرد. آیسخولوس در نبرد ماراتن و احتمالا سالامیس و پلاته شرکت می جوید. او از سال ۴۹۹ ق.م به بعد در مسابقات نمایشنامه نویسی شرکت می نماید و نخستین پیرویش را در سال ۴۸۴ ق.م به دست می آورد. تا ۴۵۹ ق.م به نمایشنامه نویسی برای تئاتر آتن ادامه میدهد. او دیدارهای زیادی هم از سیراکوز، سیسیل و نیز دربار هیرو به عمل می آورد. آیسخولوس ظاهرا تا سال ۴۶۸ ق.م در سیسیل می زیسته است.

نوآوریها: سهم آیسخولوس در پیشرفت تراژدی یونان عبارت است از: الف) آوردن بازیگر دوم به صحنه؛ ب) کاستن از اعتبار گروه همسرایان و افزودن بر اهمیت گفتگوی هنرپیشه ها؛ و د) ابداع تریلوژی (نمایش سه بخشی) با موضوع واحد.

بخش سوم: ادبیات ارمنی

سرانجام زمان درگیری نظامی با سلوکیان نیز فرا رسید. در این هنگام سلوکیان آن قدرت پیشین را که همه حکومت های شرقی را به لرزه در می آورد، از دست داده بودند. از سوی دیگر موقعیت تیگران در بین حکومت های محلی، بدلیل همپیمانی اش با پارت ها و خویشاوندی با مهرداد پادشاه پارت از لحاظ سیاسی نیز بسیار عالی و استثنائی بود. تیگران در این جنگ پیروز شد و در سال ۸۳ ق.م در شهر "آنتیوک" (انطاکیه) بر تخت سلوکیان جلوس کرد.

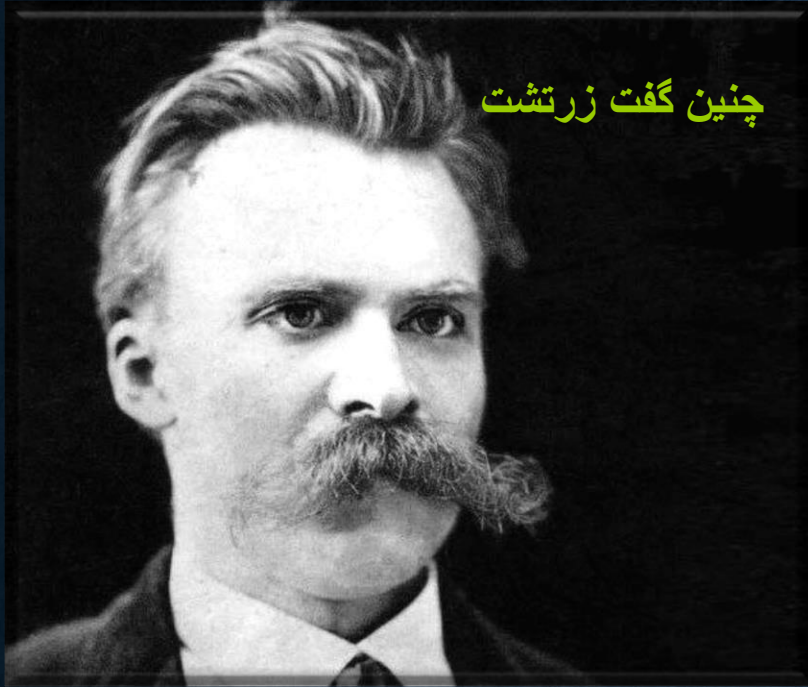
بعد از آن لشکریان تیگران در سواحل دریای مدیترانه همچنان به پیش روی خود ادامه دادند. دیری نگذشت که دشت ها و جلگه ی کیلیکیه نیز به تسخیر تیگران درآمد و به این ترتیب ارمنستان همسایه ی دیوار به دیوار جمهوری مقتدر روم گردید. زیرا در این زمان روم مرزهای خود را تا کیلیکیه کوهستانی که از چنگ سلوکیان بدر بود، گسترش داده بود.

قلمرو ایجاد شده توسط تیگران دوم بخش عمده ئی از آسیای نزدیک را شامل می شد. یعنی از دریای مدیترانه و مصر تا دریای کاسپین (دریاچه خزر) و از رود "کور" تا میاندورود. در قلمرو گسترده تیگران به بیش از پانزده زبان سخن میگفتند.

بفش چهارم ادبیات ایران

اگر منوچهری بیشتر به فکر ممدوح و رسیدن به اوست، مسعود در این راه سخت مدد است و گویی رسیدن به ممدوح را بهانه کرده است تا در خلوت شبی هراسناک که یادآور روح پر آشوب خود اوست با طبیعت خاموش بیدار، تنها باشد.

از نظر ادبی: اما از نظر ادبی شعر مسعود قیامتی است. از همان آغاز دوال رحلت (بسیاری لز اضافه های تخصیصی ارزش هنری دارند) میزند نه طبل نخستین. شعر مجموعه پی از نقاشی های مختلف مربوط به هم است. به عبارت دیگر پر از تشبیه و اضافه های تشبیهی و استعاره است و از بدیع استفاده های هنری ظریفی کرده است. مثل منوچهری حرف نمی زند نمایش میدهد. اگر منوچهری در سرودن شعر با آهنگ کلی مفاعیلین مفاعیلین فعولن فقط کافی است که کلمات بدوی و وحشی را به ساده ترین وجهی پشت سر هم ردیف کند، مسعود در وزن حدیث نفسی مفاعیلن فعلاتن مفاعیلن فعلن باید مدام مجسم کند، خودش را در متن آن شب قدیمی احساس کند، تا بتواند کلمه پی بگوید و از اجتماع واژه ها – که در معنای ما وضع لهی خود برای او کافی نیستند – منظره های ذهنی خود را به زبان منتقل کند.



چنین گفت زرتشت

با حواس سست و خفته با تندر و آتش بازی
آسمانی سخن باید گفت.
اما زیبایی آوایی آرام دارد که تنها در
بیدارترین روان ها راه می برد. نیچه

باد در نیمه شب
به آرامی به پنجره ام می خورد
رگبار باران
به آرامی از سقف اتاقم چکه می کند

رؤیای نیک بختی ام
به سان باد در قلبم سرگردان است
نسیم نگاهت
به سان قطره های باران
به آرامی وجودم را در برمی گیرد

#فریدریش_نیچه
ترجمه: #فاطمه_خداکرمی

Առաջին սերս ճնճաղիկի պես
Ձնհալի միջից մի անգամ ժպտաց,
Ինճ ոտից գլուխ մի անգամ չափեց
Եվ իսկույն փակեց աչիկները թաց:

Երկրորդը խոնարհ մանուշակ էր մի.
Կանաչ թփի մեջ թաքուն ծիճաղեց,
Առավ համբույր ոսկեղեն շողի
Եվ ամոթանքից գլուխը կախեց:

Համո Սահյան



بفش پنجه
شعر شاعران

Կարդա՛, ա՛յ իմ խելոք մանուկ,
Կարդա՛, գրի ր տարին բոլոր,
Կարդացողի խելքն է կտրուկ,
Միտքը պայծառ ու լուսավոր:

Գիրք կարդալով՝ դու գրքերում
Շատ նորանոր բան կիմանաս,
Շատ շատերից շատ բաներում
Մտքով հեռու կսլանաս:

Կարդա՛, ա՛յ իմ խելոք մանուկ,
Կարդա՛, գրի ր տարին բոլոր,
Կարդացողի խելքն է կտրուկ,
Միտքը պայծառ ու լուսավոր:

Ալեքսանդր Օստուրյան
«Կարդա՛, ա՛յ իմ խելոք մանուկ»

A baudelaire
di Michela Zanarella

Il tuo cervello
si disseta di noia
ed ossessione.
La musica ti culla
di tormento
sotto gli occhi di gufi in fila.
Fumi l'anima fantasma
con la voce di morte
zoppichi la vita
in un mondo indifferente
al tuo cantare.
Scavi la tua tomba
negli scheletri precoci
ti senti un giovane vecchissimo
temi le nature,
gli oceani
potresti amare la notte
ma i suoi tamburi
ti bucano il cranio
e vivi la furia
d'un cielo senza pace.



Abbracciami

abbracciami
e stringi fino a quando
avrò versato fino all'ultima lacrima
e con un lungo respiro riposerò
abbandonata fra le tue braccia nude

abbracciami
e non lasciarmi andare mai
finché ogni cosa intorno
avrà ripreso il suo colore
ed io, riaprendo gli occhi, tornerò a sognare
con le tue mani scure fra i capelli

abbracciami
chiunque tu sia
perché il tuo cuore, come il mio,
è una sorgente generosa
che le sue fluenti acque
disperde sulla terra, senza meta ...

non è forse una valle che cerchi?

abbracciami, dunque,
e non pensare.

Береза
Стихотворение Сергея Есенина

Белая береза
Под моим окном
Принакрылась
снегом,
Точно серебром.

На пушистых ветках
Снежною каймой
Распустились кисти
Белой бахромой.

И стоит береза
В сонной тишине,
И горят снежинки
В золотом огне.

А заря, лениво
Обходя кругом,
обсыпает ветки
Новым серебром.

Хотят ли русские войны?..
Стихотворение Евгения Евтушенко

Хотят ли русские войны?
Спросите вы у тишины
над ширью пашен и полей
и у берез и тополей.
Спросите вы у тех солдат,
что под березами лежат,
и пусть вам скажут их сыны,
хотят ли русские войны.
Не только за свою страну
солдаты гибли в ту войну,
а чтобы люди всей земли
спокойно видеть сны могли.
Под шелест листьев и афиш
ты спишь, Нью-Йорк, ты спишь, Париж.
Пусть вам ответят ваши сны,
хотят ли русские войны.
Да, мы умеем воевать,
но не хотим, чтобы опять
солдаты падали в бою
на землю грустную свою.
Спросите вы у матерей,
спросите у жены моей,
и вы тогда понять должны,
хотят ли русские войны.

روزی گفتیم
فقط مرگ می‌تواند
ما را از یکدیگر جدا کند
مرگ دیر کرد
و ما از یکدیگر جدا شدیم

#محمود_درویش
ترجمه: #اسماء_خواجه_زاده



دختر نجیب زاده ی شهر

عصر پاییز بود و می لرزید
قاب عکسی مخاطب او بود
دیدم از روبرو که می آمد
سایه اش هم پر از هیاهو بود

در هوای کرخت پاییزی
ضربانش که تندتر می زد
هوسی در نگاه او لغزید
نفسش هم دوباره بند آمد

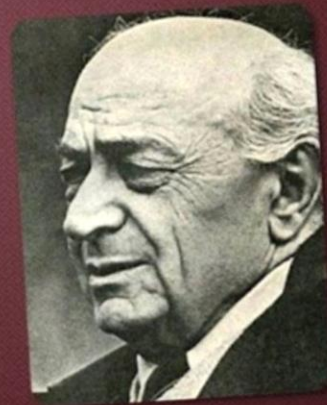
📌 #محمد_جوکار #یاس_خیال

میخواستم ترانه ای باشم
که بچه های دبستانی از بر کنند.
دریا که میشنود طوفانش را پشتش پنهان کند
و برگهای علف نت های بهم خوردنشان را از روی
صدای من بنویسند.
میخواستم ترانه ای باشم که چشمه زمزمه ام کند.
آبشار با سنج و دهل بخواند.
اما ترانه ای غمگینم و دریا غروب ، بچه هایش را جمع
میکند که صدایم را نشنوند
نت هایم را تمام نکرده چرا رهایم کردی...؟

شمس_لنگرودی



Լուսանկարում ենք
ներկու կատու,
Մենկին ջնջում,
Ի՞նչ է ստացվում.
Էջի մածուն:



Համո Սահյան

Հայ Մեծ Գրականություն

ماهی سیاه گفت:
«شما زیادی فکر می کنید.
همه اش که نباید فکر کرد.
راه که بیفتیم،
ترسمان به کلی می ریزد.»

صمد بهرنگی

Instagram: Garte_mag

مجله ادبی گرته

بخش ششم: مکاتباتها

سادگی یا پیچیدگی؟

امتحان پایانی درس فلسفه بود.

استاد فقط يك سؤال مطرح کرده بود! سؤال این بود:

شما چگونه می‌توانید مرا متقاعد کنید که صندلی جلوی شما نامرئی است؟

تقریباً يك ساعت زمان برد تا دانشجویان توانستند پاسخ‌های خود را در برگه امتحانی‌شان بنویسند، به غیر از يك دانشجوی تنبل که تنها 10 ثانیه طول کشید تا جواب را بنویسد!

چند روز بعد که استاد نمره‌های دانشجویان را اعلام کرد، آن دانشجوی تنبل بالاترین نمره کلاس را گرفته بود!!

او در جواب فقط نوشته بود :

«کدام صندلی؟!»

نتیجه:

مسائل ساده را پیچیده نکنید!

گابریل گارسیا مارکز

تنهایی خطرناک است، اعتیادآور است. وقتی متوجه شدید که چقدر آرامش در آن وجود دارد، دیگر دلتان نمی‌خواهد با دیگران باشید...

قصه های عامیانه

موجوداتی که در قصه ها ظاهر میشوند یا خوب هستند یا بد. معمولاً حد وسط وجود ندارد. شخصیت پردازی در قصه کاربردی ندارد. قهرمانان قصه ها موجوداتی تک بعدی هستند که فقط برای انجام دادن کاری در قصه حضور یافته اند. ولادمیر پراپ، نویسنده روس، بازی گران قصه (ادم های قصه) را شامل هفت تیپ می داند:

۱- خبیث

۲- بخشنده

۳- قهرمان (جست و جوگر یا قربانی)

۴- اعزام کننده

۵- یاری دهنده

۶- شخصی که جست و جو می شود (شاهزاده خانم)

۷- قهرمان قلبی

پراپ آدم های قصه را، بر اساس اعمالی که در قصه انجام میدهند، طبقه بندی کرده و آن ها را "تیپ" نامیده است.

بخش هفتم: موسیقی

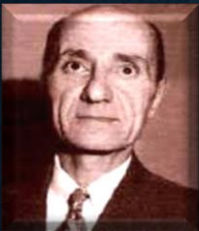
«موسیقی دانان بزرگ ایرانی در گذشته»

مرتضی خان محجوبی (بخش دوم)

مرتضی خان محجوبی از آن هنرمندان مکتب رفته ولی خط ننوشته بود که سر پنجه های سحرآمیز و آبشار روان احساسش نغمه خوان دل عاشقان است. او در خانواده ای متولد شد که همگی علاقمند به موسیقی ایرانی بودند، در خانه شان پیانو بود و مادرشان کمی به این ساز دلنواز آشنا بود. استعداد فطری و علاقه ی مرتضی خان چنان بود که خود به تنهایی نواختن پیش درآمد اصفهان اثر درویش خان را روی پیانو آغاز کرد. برای پرورش استعداد درخشانش نزد دو ساتاد بزرگ آن زمان



به شاگردی گذارده شد، در حالی که شش سال پیش نداشت، اساتید وی
۱- سلطان حسین خان هنگ آفرین
۲- محمود مفخم الممالک



هنگ آفرین از تحصیل کردگان موسیقی نظام قدیم بود و در عین آشنایی به مبانی موسیقی غرب نزد میرزا عبدالله خان و دیگر اساتید تحصیل کرده بود.

نقل از استاد قاسم علی دماوند

نقش موسیقی دانان ارمنی در موسیقی کُرال ایران

موسیقی کُرال ایران

مطالعه‌ای تاریخی - تحلیلی

حمید عسکری زابری

موسیقی دانان ایرانی - ارمنی، به طور کلی، در تاریخ موسیقی معاصر ایران نقش بسیار مهمی در معرفی و آموزش موسیقی کلاسیک داشته‌اند. آنها در آهنگسازی، اجرا و آموزش موسیقی بسیار فعال بوده و در تاریخ موسیقی معاصر ایران سهم ارزنده‌ای به خود اختصاص داده‌اند. در خصوص نقش آرامنه در موسیقی ایران، امیر اشرف آریان پور در سخنرانی اش به مناسبت بزرگداشت روبن گریگوریان بیان داشته است:

عزیزان، ما نباید فراموش کنیم که ارمنیان بانی و باعث رواج موسیقی کلاسیک در ایران هستند و اگر ارمنیان در ایران نبودند شاید بنده و دیگران فرقی بین موسیقی باخ و بتهوون نمی گذاشتیم؛ زیرا ارمنیان در آن سال‌ها در عرصه‌ی موسیقی کشور و در هنرستان موسیقی یکه تاز بودند و ما به ندرت معلم غیر ارمنی داشتیم..

من شخصا خودم در گروه کر گریگوریان می خواندم و صدای تنور داشتم. ما در آن زمان در جشن‌های فرهنگی زیادی شرکت می کردیم.





Mehdi_norouzbahari

مهدي نوروزبهاري

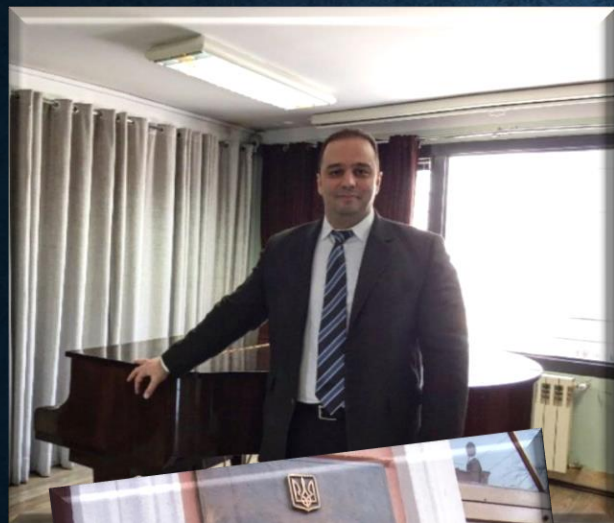
مدرس دانشگاه هنر تهران
مدرس دانشگاه جامع علمی کاربردی واحد ۴۶ تهران

فارغ التحصیل از کنسرواتوار چایکوفسکی
P.I.Tchaikovsky کشور اوکراین در گرایش آواز اپرا
از کلاس پروفیسور مایسترو آناتولی یوریویچ موکرنکو
Anatoly Yurivich Mokrenko

فارغ التحصیل از دانشگاه رین هولد گلی یر Reinhold
Glier کشور اوکراین در گرایش آواز اپرا در کلاس
مایسترو پرفیسور نیکولای ایوانویچ گارباتوو
Ivanovich Gorbatov

فارغ التحصیل از هنرستان موسیقی پسران سوره تهران
فارغ التحصیل از هنرستان عالی موسیقی تهران
(دانشگاه فرهنگ و هنر واحد ۱۱ تهران)

دیپلم افتخار و مقام دوم از کنکور بین المللی اپرا
Ruchniki کشور اوکراین
دیپلم افتخار از کنکور بین المللی اپرا Paly Nataly
کشور لهستان



علل بوی بد دهان

علل متعددی موجب ایجاد بوی نامطبوع دهان می شوند که به طور عمده، می توان آنها را به دو دسته تقسیم کرد:

۱) علل دهانی که بر اثر ضایعات داخل دهان از قبیل لثه، دندان ها و روی زبان ایجاد می شوند؛

۲) علل خارج دهانی که در نتیجه عوارض گوارشی به وجود می آیند.



بخش هشتم: بداشت دهان و دندان

بوی دهان

دهان علاوه بر محتویاتش، یعنی دندانها، لثه، زبان، غدد بزاقی و مخاط، به علت موقعیت و ارتباط خاص خود با دستگاه های تنفسی و گوارشی، منعکس کننده حالات سلامت و بیماری این دستگاه هاست. بوی دهان ممکن است نشانه وجود عارضه و ضایعه ای در یکی از قسمت های مرتبط با آن باشد.



"We live in the best of all possible worlds" - Gottfried Wilhelm Leibniz

Educare la mente senza educare il cuore non è affatto educazione.
(Aristotele)

Неудача – это просто возможность
начать снова, но уже более мудро.

یک قاصدک کوچک صلح هم اگر باشید
ماموریتتان ارزشمندتر از یک سفیر کبیر جنگ است . . .

بخش نهم: مصاحبه



بخش اول مصاحبه با: دکتر عباس اقبال مهران

که نمونه‌های موفق هر شاعر مطرحی را در قرن‌های مختلف بخوانم و از این بین به سعدی در قرون گذشته و قیصر در عصر معاصر و زبان سیمین بهبهانی و جسارت فروغ فرخ‌زاد در بیان احساساتش، علاقه بیشتری دارم. سعدی و نظامی را هم دوست دارم.

آثار چه شاعرانی را بیشتر مطالعه میکنید و در سرودن تحت تاثیر کدام شاعر هستید؟

اوایل بیشتر فروغ میخواندم و احساس میکنم در زبان و فرم و در نوع نگاه اعتراض آمیز و زبان جسور با انتخاب موضوع، از فروغ تاثیر گرفتم؛ اما خیلی زود احساس کردم که خود من هم حرف‌هایی برای گفتن دارم؛ به ویژه در سال‌های اول دانشجویی. از همان موقع سعی کردم شعرهایی که می‌گویم تحت تاثیر احساسات و با امضای خودم باشد؛ نه هیچ شاعر دیگری. اما علاقمندی من به ادبیات کلاسیک و آشنایی با شاعران قرون گذشته



موضوعات و مضامین اشعار شما بیشتر چیست؟

نمی‌دانم مضمون و موضوع را می‌شود تفکیک کرد یا نه؛ ولی من سعی کردم در تمامی موضوعات شعر بگویم. البته به دنبالش نرفتم؛ گاهی خود موضوعات سراغ من آمدند و از من خواستند آن‌ها را شعر کنم. خیلی وقت‌ها از یک حس خیلی ساده شروع شده و بعد به جایی رسیده که خود من هم فکرش را نمی‌کردم که از آن احساس ساده دلتنگی یک غزل ایجاد شود یا به فرض نگاه کردن به گچ بری‌های سقف یا صندلی خالی روبرو منجر به شعر شود. هر اتفاقی برای من دستمایه شعر بود و سعی کردم با مضامین مد نظر خودم – آن‌هایی که تجربه شخصی خود من هست – شعر بنویسم و در واقع مضمون پردازی‌ام بکر و متعلق به خودم باشد.

به نظر شما شعر گفتن قابل یادگرفتن است یا ذاتی‌ست؟

با این سؤال یاد هلن کلر افتادم؛ وقتی که مربی او می‌خواست به این دختر نازنین که هم نابینا بود و هم ناشنوا، جهان بیرون را بشناساند، مدام او را به جاهای مختلف می‌برد و روی دستش اسم هر چیزی را که به او می‌داد، می‌نوشت. هلن کلر نمی‌دانست چرا این اتفاق می‌افتد و چرا معلمش این آموزش‌ها را به او می‌دهد، تا وقتی که ناخودآگاه دستش را زیر آب گرفته بود، انگار تمام آن تلاش‌ها و سختی‌ها یکباره اینجا معنا پیدا کرد و انگار شهودی برایش حاصل شد که تازه معنای آن‌همه تلاش را متوجه شده بود و هر چیزی را که به دست می‌گرفت، فوراً اسم آن را می‌نوشت.

در بین شاعران پیش رو در جریان انقلاب اسلامی و ادبیات انقلاب، کدامیک را موفق‌تر می‌دانید؟

درباره ادبیات انقلاب اسلامی باید مقداری مسئله باز شود و شاخص‌های آن را بیان کنیم تا روشن شود که منظور، ادبیات پس از انقلاب اسلامی است و تاریخ آن مهم است، یا این که ویژگی‌های منحصر بفرد شعرهای انقلابی مدنظر است که در شعر و ادبیات گذشته وجود نداشته است. اگر این ویژگی‌ها مطرح باشد، من کمتر می‌توانم شاعری را نام ببرم و بگویم که این شاعر، شاعر انقلاب اسلامی است. شاعران زیادی پس از انقلاب بودند که خودشان انقلابی بوده و در راستای اهداف انقلاب اسلامی زندگی کردند؛ اما لزوماً نمی‌شود گفت هر شعری که گفته‌اند در این جهت بوده است. بعضاً در زمینه‌های مختلف طبع آزمایی کرده‌اند و نمی‌توانم دقیق بگویم که شاعرانی که خودشان آدم‌های خوبی

فکر می‌کنم برای شاعر هم اتفاقی مشابه این می‌افتد؛ یعنی آن قدر تلاش می‌کند، می‌نویسد، در موضوعات مختلف مشق می‌کند و ممکن است نمونه‌های بسیار ساده‌ای هم از آن‌ها ایجاد شود، تا بالاخره یک وقت آن اتفاق می‌افتد و باران رحمت نازل می‌شود و خود شاعر در شهودی قرار می‌گیرد که زبانش را به گفتن شعرهایی که فکر نمی‌کرده تا قبل از این بتواند بگوید، باز می‌کند. فکر می‌کنم شاعر برای رسیدن به آن نقطه و برای استقبال از آن لحظه حتماً باید تلاش کند تا وقتی که آن باران رحمت نازل می‌شود،

زبانش الکن و قاصر نباشد و بتواند همه آن احساس نابی که در آن لحظه درک می‌کند را بیان کند و حقش را ادا کند.



هستند، شعرشان هم به همان خوبی‌ست. مثلاً من شاعری را می‌شناسم که جایزه شعر انقلاب اسلامی می‌گیرد، در صورتی که هیچ نمونه‌ای از شعر انقلاب در شعرهایش نیست و فقط شعر عاشقانه می‌گوید.

اما چون خودش یک انسان مذهبی، حزب‌اللهی و انقلابی است، ما فکر می‌کنیم شعر او هم شعر انقلابی‌ست. برای من درک این رابطه قدری پیچیده است. نمی‌دانم آیا معیاری هست که این‌ها را کنار هم بگذارد و ما را به جواب برساند؟ این مسئله‌ای‌ست که خودم درباره‌اش هنوز به نتیجه نرسیده‌ام و دنبال آن هستم که در این رابطه به نتیجه مطلوب برسم و نمی‌توانم قطعی کسی را نام ببرم. اما مسلماً شاعرانی هستند که به نظر من شعرشان ناب است و اگر برای شعر انقلاب اسلامی مفهوم وسیعی در نظر داشته باشیم، شعرهای آن‌ها هم از مصادیق شعر انقلاب اسلامی خواهد بود؛ مثل عاشقانه‌های قیصر.

ادامه دارد

بی شک گسترش کتاب خوانی به عنوان ضرورتی اجتناب ناپذیر، تنها زمانی به فرهنگی عمومی تبدیل می‌شود که جامعه آن را نیازی پایان ناپذیر و وسیله‌ای برای رشد و پویایی شخصیت خود بداند و مطالعه، در کنار سایر کارهای روزانه، در زندگی مردم وارد شود و این گونه نباشد که کتاب، به افراد خاصی از جامعه اختصاص داشته باشد؛ بلکه همگان تکامل و پیشرفت را در انس با کتاب بدانند. البته گسترش کتاب خانه و چاپ فراوان کتاب و کارهایی مثل این نیز بی‌تأثیر نیست، ولی نکته مهم، همان ایجاد میل و انگیزه در افکار جامعه است؛ یعنی برنامه ریزی‌ها به گونه‌ای باشد که احساس نیاز به کتاب در جامعه زنده شود

#کتاب_بخوانیم



@Asheghanbook

مجله ادبی آنی

سال نو میلادی و ۶ ژانویه را به تمام مسیحیان جهان تبریک عرض می نماید با آرزوی سالی پر از آرامش و جهانی به دور از جنگ و خونریزی.

مجله ادبی آنی

وقوع حادثه شوک آور انفجار در کرمان - ایران که باعث جان باختن بیش از یکصد نفر شهروند غیر نظامی گردید است را تسلیت عرض مینماید و برای جانباختگان آرامش و برای خانواده هایشان صبر و شکیبائی مسئلت مینمائید.

مدیر مسئول مجله آنی

مجله ادبی آنی را هر چهارشنبه در سایت رسمی و کانال تلگرامی دنبال کنید.